

جغرافیای تولید و پراکنش ترجمه‌های شیعی دوره صفویه

مهدی بذرگر خضریگی، دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

history1366@gmail.com

سید جلال رجایی* ، استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

rejaei-sj@ferdowsi.um.ac.ir

مریم عزیزیان، استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

maryamazizian@um.ac.ir

چکیده

مطالعات اندکی درباره «ترجمه» و به‌ویژه بازه زمانی و جغرافیای مکانی آن در دوره صفویه صورت گرفته است. در این دوره، مترجمان با هدف گسترش و ترویج اندیشه‌های شیعی، به ترجمه متون منتخب پرداختند. ظهور صفویان در تاریخ ایران، تحولی نوین در تولید آثار فکری ایجاد کرد و نویسندگان و اهل قلم در مناطق تحت حاکمیت صفویان، از طریق ترجمه با این جریان همراه شدند. تا پیش از این دوره، منابع محدود شیعی که بیشتر به زبان عربی بودند، پاسخگوی نیازهای روزافزون فارسی‌زبانان، به‌ویژه از قرن هفتم هجری به بعد نبودند. این ضرورت سبب شد که روند ترجمه گسترش و استمرار پیدا کند. مترجمان، حامیان و آمران ترجمه متون از زبان عربی به فارسی، در ساخت اندیشه فراگیر و حامی حکومت صفویان تلاش کردند و نقش مهمی در تکوین ایدئولوژی دینی-سیاسی این دوران ایفا کردند. بررسی پراکندگی جغرافیایی ترجمه‌ها نشان می‌دهد که مترجمان در هر منطقه، متناسب با وضعیت فرهنگی و اجتماعی، اولویت‌ها و اهداف خاصی را دنبال می‌کردند. این مناطق با تولید و پراکندن ترجمه‌ها، در تحولات فکری دوره صفویه نقشی مهم ایفا کردند. پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی و با استفاده از روش طرح متوالی تبیینی (Sequential Explanatory) انجام شده است. در این روش، ابتدا داده‌های کمی از پیشگفتار مترجمان استخراج و پس از گردآوری اطلاعات آماری، داده‌های کیفی به‌منظور تحلیل و تفسیر یافته‌های کمی جمع‌آوری و بررسی شد.

واژه‌های کلیدی: ترجمه، متون دینی، مترجمان، حامیان ترجمه، دوره صفویه.

* نویسنده مسئول

بذرگر خضریگی، مهدی، رجایی، سید جلال و عزیزیان، مریم. (۱۴۰۴). جغرافیای تولید و پراکنش ترجمه‌های شیعی دوره صفویه، پژوهش‌های تاریخی، ۵۸(۲)، ۰.



۱. مقدمه

با جای‌گیری صفویان و در پی تبدیل حکومت سنی به شیعی، تغییرات اجتماعی و سیاسی بنیادینی در ایران ایجاد شد. تحول ذکرشده ضرورت توجه به محتوای همسوی آن را ایجاب می‌کرد. از آنجاکه بیشتر مردم، فارسی‌زبان بودند، ترجمه متون، بهترین راه برای پر کردن فاصله میان متن و مخاطب محسوب می‌شد؛ از این رو، توجه به میراث مکتوب شیعه، نخستین قدم از این تحول ایدئولوژیک بود. حاصل جریان ذکرشده در قرن نخست حیات سیاسی صفویان، ترجمه تألیفات شیعی با تمرکز بر روی تألیفات پس از سده هفتم هجری بود. این گزینشگری دو علت داشت: نخست، نسخه‌های شناخته‌شده‌ای از قرن هفتم هجری در دسترس بود و یافتن متون دیگر این دوره مستلزم بخت و اقبال بیشتری بود؛ دوم، مترجمان عصر صفوی پیروان فکری عالمان و نویسندگان سده هفتم هجری بودند؛ بنابراین، دور از واقعیت نیست اگر گفته شود که متون ترجمه‌شده قرن دهم هجری حاصل کار نویسندگان سده هفتم هجری بود؛ اما ترجمه متون شیعه در سده یازدهم هجری، بیشتر به تألیفات سده‌های نخستین اسلامی اختصاص یافت (رجایی و بذرگر، ۱۴۰۲، ص. ۷۰)؛ درحالی‌که در قرن دهم هجری، ترجمه‌ها بیشتر با هدف احیای تراث شیعی - که توسط رقیبان به حاشیه رانده شده بود - انجام می‌شد، در قرن یازدهم هجری، این روند با زدودن یا اصلاح برداشت‌های نادرست از آنچه به‌عنوان سرچشمه‌های ناب معارف شیعی قلمداد می‌شد، ادامه یافت.

بااینکه می‌توان از زوایای مختلفی به مطالعه «ترجمه» در این دوران پرداخت، در این نوشتار تمرکز بر جغرافیای تولید و پراکنش ترجمه‌هاست. پرسش اساسی این است که توزیع جغرافیایی ترجمه‌ها چه اطلاعات

تاریخی جدیدی را در اختیار ما قرار می‌دهد؟ و پراکندگی مترجمان یا حامیان آنان در مناطق مختلف و موضوعات مدنظر ایشان و معیارهای گزینش متون چه نتایج معناداری به دنبال دارد؟ همچنین وجود ترجمه‌های خاص که چندان از چارچوب رایج ترجمه در دوران صفویه پیروی نمی‌کنند چه آگاهی‌هایی درباره مکان این ترجمه‌ها به دست می‌دهد؟

نسخه‌شناسان، شمار درخور توجهی از ترجمه‌های تولیدشده در طول دوران صفوی را شناسایی کرده‌اند. حاصل آنکه فهرستگان نسخ خطی «فنخا»، فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران «دنا» و نیز سامانه حافظه ملی ایرانیان این نسخه‌ها را معرفی کرده‌اند و داده‌های پژوهش پیش‌رو با استفاده از این فهرست‌نامه‌ها استخراج شده است. از کل حجم ترجمه‌ها ۲۹۲ ترجمه شناسایی شده مدنظر قرار گرفته است (که به احتمال شامل همه متون ترجمه‌شده در این دوران نیست)، قرن دهم هجری، ۶۶ ترجمه و ۶۰،۲۲ درصد، قرن یازدهم هجری، ۱۳۶ ترجمه و ۴۵،۵۴ درصد و نیمه اول قرن دوازدهم هجری، ۹۰ ترجمه و ۳۰،۸۲ درصد را به خود اختصاص داده است. اطلاعات درباره مکان تولید این ترجمه‌ها در متن کتب ترجمه و بیشتر در مقدمه، مؤخره و انجامه این متون منعکس شده است. نکته شایان ذکر آنکه توجه مترجمان، بیشتر به زمان کتابت آثار معطوف بوده است؛ لذا اطلاعات مکانی راجع به متون ترجمه‌شده به نسبت زمان تولید ترجمه‌ها به وضوح محدودتر است. یافته‌های این پژوهش از مشخص بودن ۱۰۰ درصد زمان ترجمه‌ها و ۱۳ درصد مکان ترجمه‌ها حکایت دارد. از سویی دیگر درباره تعیین زمان نگارش نسخه‌های بدون تاریخ با استفاده از شواهد و قرائن می‌توان با اطمینان بیشتری اظهارنظر کرد؛ اما برای تعیین جغرافیای مکانی ترجمه‌های این دوران می‌توان مفروضاتی ارائه کرد. در

بزرگ: دوره تیموریان و صفویان» از توسلی و عظیمی (۱۳۹۶) اشاره کرد. عظیمی (۱۴۰۱)، همچنین، در مقاله «نقش مدارس در تألیف و کتابت آثار فقهی در دوره صفوی اول با استناد به نسخ خطی کتابخانه‌های ایران»^۱ به بررسی مراکز کتابت و توسعه آثار فقهی پرداخته است. علاوه بر این، ارتباط جریان ترجمه با واقفان و منابع مالی موقوفات، موضوعی است که زهت احمدی در پژوهش‌های خود به آن پرداخته است.

روش پژوهش

شناسایی «ترجمه»‌های به‌جامانده از دوران صفویه و سپس جمع‌آوری اطلاعات مکان تولید آن نسخه‌ها گام نخست در این پژوهش است. نخستین هدف، شناسایی توزیع جغرافیایی «ترجمه» در این دوران است. راهگشای پژوهش در این هدف، رجوع به مقدمه یا انجامه «ترجمه»‌های یافت‌شده در تعدادی از نسخه‌هاست که به مکان «ترجمه»‌ها اشاره داشته‌اند. از دیگر سو برای سنجش میزان اهمیتی که «ترجمه»‌ها در هر دوره داشته است، تعداد نسخ «ترجمه»‌های یک متن مدنظر قرار گرفت. کتابت‌های پُرشمار با فاصله زمانی اندک، اهمیت ترجمه را از نظر مترجمان یا آمران ترجمه نشان می‌دهد. به این ترتیب به فراوانی موضوعات دلخواه هر مکان نیز دست خواهیم یافت. در این پژوهش برای حصول به نتایج هرچه بهتر؛ از روش طرح متوالی تبیینی بهره جسته‌ایم. در این روش ابتدا داده‌های کمی از درون متون ترجمه استخراج و برای تسهیل در فهم، نتایج حاصل از داده‌های کمی در قالب شکل و نمودار بصری‌سازی شد. پس از این مرحله با جمع‌آوری داده‌های کیفی به تحکیم یافته‌ها اقدام شد.

این پژوهش در کنار ارائه اطلاعات مکانی مندرج در مقدمه و انجامه، نسخه‌های ترجمه این مفروضات نیز بیان شده است.

تعاریف و اصطلاحات پژوهش

در این پژوهش، مفاهیم کلیدی به شرح زیر تعریف می‌شوند:

«ترجمه»: این واژه (درون گیومه) به کتاب یا مجموعه‌ای از متون ترجمه‌شده اشاره دارد، نه فرایند ترجمه؛

متن منتخب: اثری که مترجم آن را از اصل عربی به فارسی برگردانده است؛

ترجمه (بدون گیومه): به فرایند ترجمه اشاره دارد نه متن ترجمه‌شده؛

نسخه - نسخ منتخب: نسخه برداری یا رونویسی از یک متن منتخب؛

نسخه یا نسخ «ترجمه»: نسخه برداری یا کتابت از متن «ترجمه»‌شده.

ادبیات پژوهش

بررسی مسائل دوره صفوی از منظر «ترجمه» - که بسیاری از آن‌ها هنوز شناسایی یا تصحیح نشده‌اند - با دشواری‌هایی همراه است. نخستین توجه به این موضوع را محیط طباطبایی (۱۳۴۶) در مقاله «سیر ترجمه در تاریخ ایران» نشان داده است. جعفریان (۱۳۸۸) نیز در سیاست و فرهنگ روزگار صفوی، علاوه بر بررسی کیفیت ترجمه‌های این دوره، فهرستی مختصر از آن‌ها ارائه کرده است. همچنین حسینی (۱۳۹۲) در مقاله «نهضت ترجمه به فارسی در عصر صفوی» به دسته‌بندی و توصیف برخی از ترجمه‌های این دوره پرداخته است. از دیگر پژوهش‌ها می‌توان به مقاله «کانون‌ها و ویژگی‌های کتابت در خراسان

^۱ گویا در عنوان مقاله «دوره اول صفویه» به خطا «دوره صفوی اول» درج شده است.

۲. ترجمه‌های دوره صفوی

با تشکیل و استقرار حکومت صفوی، بسیاری از کانون‌های آموزشی شیعه در خارج از مرزهای ایران رونق و مرکزیت خود را از دست دادند و به تدریج حوزه‌های آموزشی شیعه به درون قلمرو ایران منتقل شد. وضعیت مساعد فراهم آمده در ایران، به ویژه توسعه مدارس و گسترش موقوفات وابسته به آن‌ها، موجب افزایش تربیت عالمان شیعی شد. حتی در این دوره که تشیع در ایران تثبیت شده و تألیفات شیعی روبه‌فزونی گذاشته بود، توجه به ترجمه همچنان تداوم داشت. دلیل این تداوم کارکردهای متنوع این ترجمه‌ها بود؛ چنان‌که از بررسی آماری ترجمه‌ها در بیش از دو سده حیات سیاسی حکومت صفوی برمی‌آید، رشد ترجمه‌ها با افزایش قدرت و ثروت صفویان نسبت مستقیم دارد. اقبال صفویان به مقوله ترجمه، از داده‌های جدول شماره ۱ به‌خوبی آشکار است. این داده‌ها نشان می‌دهد که با ورود به سده یازدهم هجری، تعداد مترجمان و ترجمه‌ها بیش از دو برابر شده است. نیمه دوم سده یازدهم هجری،

نه‌تنها اوج دوران ترجمه در عصر صفوی به شمار می‌رود، بلکه به نظر می‌رسد استنساخ نسخه‌های ترجمه‌شده نیز در این دوره تسریع شده باشد. شرح تفصیلی این مسئله در بخش مربوط به «پراکنش ترجمه‌ها» خواهد آمد.

شناسایی ترجمه‌های این دوره به دلایلی چند، دشوار و پیچیده است. معمولاً آثار شاخص نویسندگان مشهور پس از ترجمه، به راحتی شناسایی می‌شوند؛ اما شماری از تألیفات، هنگام ترجمه در این دوره، دچار تغییر نام شده و گاه از سوی مترجمان به عنوان اثری تألیفی معرفی شده‌اند؛ ازاین‌رو، پدیده سرقت ادبی در ترجمه‌های دوره صفوی به‌شکلی چشمگیر و نظام‌مند رخ نموده است (جعفریان، ۱۳۸۸، ج. ۲/۶۵۴)؛ البته هدف از دخل و تصرف در ترجمه‌ها، از مترجمی به مترجم دیگر متفاوت بوده است. به نظر می‌رسد عواملی چون دانش مترجم، وابستگی او به کانون‌های قدرت و نیز جامعه هدف ترجمه‌ها، از مهم‌ترین دلایل شکل‌گیری این پدیده بوده است.

جدول شماره ۱. آمار ترجمه و مترجمان دوران صفوی

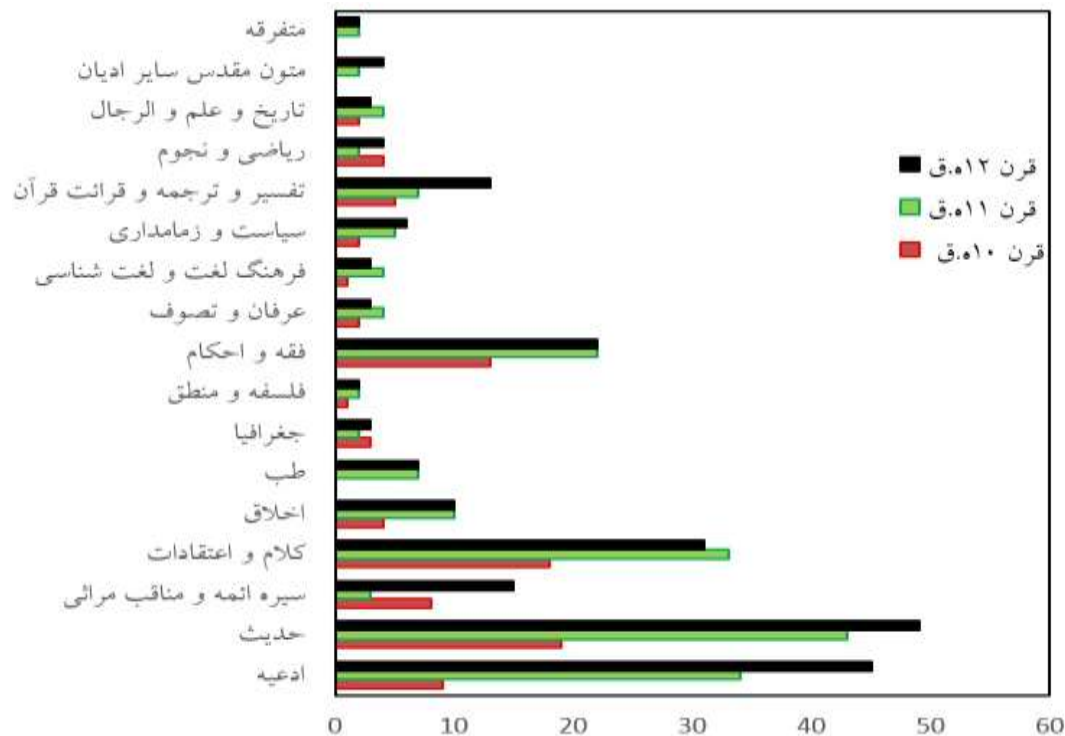
زمان	قرن دهم هجری	قرن یازدهم هجری	نیمه اول قرن دوازدهم هجری
تعداد ترجمه	۶۶	۱۳۶	۹۰
تعداد مترجمان	۲۹	۸۶	۳۷

ترجمه‌های دوره صفوی، موضوعات متنوعی را دربرمی‌گرفت. در پژوهش حاضر، دست‌کم شانزده حوزه موضوعی از این ترجمه‌ها شناسایی و استخراج شده است. میان این موضوعات توازنی مشاهده نمی‌شود، اما می‌توان رابطه معناداری میان موضوعات پربسامد و وضعیت اجتماعی و سیاسی عصر صفوی یافت (نمودار شماره ۱). اغلب موضوعات ترجمه در دوران صفوی مستقیم یا غیرمستقیم، به اندیشه‌های

شیعی مرتبط می‌شوند؛ بااین حال ترجمه‌هایی خارج از گفتمان غالب تشیع در این دوران به چشم می‌خورد؛ چنان‌که در نیمه نخست قرن دهم هجری، کتاب *النقایه فی مختصر الوقایه* از صدرالشریعه عبیدالله بن مسعود - اثری در فقه حنفی - ترجمه شده است. این ترجمه را می‌توان نشانی از استمرار توجه به فقه غیرشیعی دست‌کم در حوزه هرات دانست. حتی در قرن یازدهم هجری، به ویژه در نیمه دوم آن، که

اخباریان کاملاً تسلط یافتند، برخی گروه‌های رقیب کردند که در تقابل با گفتمان مسلط بود. درون‌گفتمان شیعی نیز به ترجمه‌آثاری مبادرت

نمودار شماره ۱. موضوعات ترجمه در دوران صفوی



مناسبی را برای تحلیل و بررسی آن‌ها فراهم آورد (جدول شماره ۲). اغلب مترجمان در دیباچه‌آثار خود، به‌صراحت از حامیان ترجمه و اهداف آنان یاد کرده‌اند؛ مسئله‌ای که از مشارکت مستقیم حلقه‌های اصلی قدرت در فرایند ترجمه حکایت دارد. در جدول شماره ۲، از میان ۲۹۲ ترجمه‌شناسایی‌شده، حامیان ۱۴۶ ترجمه این دوران را نمایش می‌دهد.

یکی از شاخصه‌های مهم ترجمه‌های دوران صفوی، گروه حامیان و سفارش‌دهندگان ترجمه‌هاست. بخش عمده‌ای از این ترجمه‌ها، به‌ویژه در سده یازدهم هجری، توسط عالمان و افراد وابسته به نهاد دینی و ساختار سیاسی صورت پذیرفته است. نکته درخور توجه دیگر، نقش و جایگاه آمران و حامیان این آثار است. طبقه‌بندی ترجمه‌های این دوران بر پایه جایگاه آمران و حامیان، می‌تواند معیار

جدول شماره ۲. حامیان ترجمه‌های دوره صفوی

بدون اطلاعات درباره حامی	گروه اول											گروه دوم	گروه سوم	گروه چهارم
۱۴۶	شاه اسماعیل اول	شاه تهماسب اول	شاهزاده سلطان	شاه اسماعیل دوم	شاه عباس کبیر	آغا بیگم اول	شاه صفی	شاه عباس دوم	شاه سلیمان	شاه سلطان حسین	تهماسب دوم	امرا	جامعه	شاهزادگان
تعداد ترجمه														
۱۴۶	۱	۱۹	۲	۱	۲	۲	۵	۱۱	۱۶	۳۳	۱	۳۳	۱۷	۳
۲۹۲	جمع													

از بررسی ترجمه‌هایی که مکانشان معلوم است (جدول شماره ۲)، روشن می‌شود که این ترجمه‌ها مانند داده‌های جدول شماره ۳، به‌ترتیب با حمایت شاهان و شاهزادگان، امرا و جامعه دینی صورت پذیرفته است. از این وجه‌اشتراک می‌توان حدس زد که توجه به ترجمه در مراکز حکمرانی بیشتر بوده است. همچنین براساس

این یافته، می‌توان نتیجه گرفت که فرایند تغییر مذهب در ایران صفوی، افزون بر زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مساعد، مبتنی بر اراده نخبگانی بوده و این فرایند از سطوح بالای اجتماع به سطوح میانی و پایین‌تر جامعه گسترش یافته است.

جدول شماره ۳. حامیان ترجمه‌های دارای مکان

حامیان	انگیزه	تعداد	درصد
شاهان و شاهزادگان	تعمیم	۱۴	۴۸,۳۷
امرا و وزرا		۱۰	۳۴,۴۸
جامعه دینی		۴	۱۳,۸۰
مترجم		۱	۳,۴۵

آنچه تاکنون بیان شد، گزارشی اجمالی از مجموعه داده‌های گردآوری شده بود تا نشان دهد اطلاعات مندرج در ترجمه‌ها تا چه اندازه می‌تواند در مطالعات دوره صفوی مؤثر و راهگشا باشد؛ بااین حال، مسئله‌ای دیگر نیز درون ترجمه‌ها درخور توجه است. همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، اطلاعات مکان‌های ترجمه، دشواریاب‌ترین بخش داده‌های نسخه‌ها به شمار می‌آید، باوجود این، می‌تواند بستری برای دریافت‌ها و تحلیل‌های تاریخی فراهم آورد. در

اغلب مواقع، مؤلفان این آثار، توجه چندانی به ثبت مکان تألیف نداشته‌اند. جلد چهل و پنجم فنخا، که به طبقه بندی نسخه‌ها براساس مکان‌های تألیف اختصاص دارد، از میان حدود سیصد و بیست‌هزار نسخه خطی فهرست شده، کمتر از ده درصد نسخه‌های دارای مکان را شناسایی کرده است. نویسنده در مقدمه این جلد، بر دشواری و نقص اطلاعات درباره این بخش از نسخه‌ها تأکید کرده است (درایتی، ۱۳۹۳، ج. ۷/۴۵).

۳. جغرافیای ترجمه (قطب‌های بازتولید اندیشه)

در بررسی ترجمه‌های دوران صفوی توجه به مکان ترجمه‌ها می‌تواند در تحلیل جریان ترجمه مفید باشد و فرصت درک بهتری از وضعیت فکری مقدم بر جریان ترجمه مدنظر ایجاد کند. مکان‌های مستخرج از دیباچه یا مؤخره ترجمه‌ها دوازده محدوده جغرافیایی را نشان می‌دهد. اطلاعات دیباچه‌ها به نام برخی از قطب‌های فرهنگی پیشین و همچنین به برجسته شدن مکان‌های جدید اشاره دارد. این اطلاعات به‌روشنی فرایند مدیریت و تأثیرگذاری صفویان بر این مکان‌ها را ترسیم می‌کند. برخی از این مکان‌ها تا پیش از روی کار آمدن صفویان، مرکز تولیدات فکری و فرهنگی زمان خود بوده‌اند. برخی دیگر از مکان‌ها نیز پس از دوره صفوی، در مسیر جدیدی گام نهادند و در رقابت با مکان‌های هم‌جوار خود، به‌تدریج جایگزین شدند.

باوجود شهرهایی همچون ری، قم، نجف، مشهد و... که از کانون‌های مهم تشیع محسوب می‌شدند و مکاتب تعلیمی و تربیتی شاخصی داشتند، تعداد اندکی از نسخه‌های ترجمه شده، به‌طور صریح و روشن به مکان انجام ترجمه اشاره دارد؛ باین‌حال، در برخی مواقع، با استفاده از شواهد و قرائن می‌توان به موقعیت مکانی ترجمه و کتابت این آثار پی برد. در این راستا، نکات زیر حائز اهمیت است:

رویکرد پیشینی

در مقطع هم‌زمان با تأسیس حکومت صفوی، چند حوزه فرهنگی مهم در جغرافیای ایران و فراتر از آن را می‌توان مشخص کرد:

۱. هرات تحت حکومت سلطان حسین بایقرا که از لحاظ فرهنگی شهری تأثیرگذار بود؛
۲. تبریز، آخرین پایتخت ترکمانان که در آغاز حکومت صفویه نقش مهمی ایفا کرد؛

۳. جنوب ایران به مرکزیت فارس که در قیاس با دیگر مناطق، کمترین آسیب را از هجوم مغولان و تیموریان متحمل شد و در دوره صفوی، شاهد شکوفایی اندیشمندان و پژوهشگران بسیاری بود. فارس از جمله حوزه‌هایی بود که می‌توان فرهنگ ایرانی و تمایلات دیرپای فلسفی در آن را به‌وضوح مشاهده کرد.

رویکرد پسینی

در اواخر دوره صفوی، برخی شهرها به‌دلیل تأسیس مدارس و حوزه‌های علمیه و ظهور علمای برجسته، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شدند. شهرهایی نظیر قم، مشهد، اصفهان و قزوین در این زمره قرار دارند. در این باره، صفت گل به‌ویژه بر اهمیت مثلث قم، مشهد و اصفهان که خاستگاه اصلی اخباریان بود، تأکید کرده است (صفت گل، ۱۳۸۹، ص. ۲۳۲).

نقش استادان مترجمان در تعیین مکان ترجمه

یکی از شیوه‌های تعیین موقعیت مکانی ترجمه‌ها، بررسی محل استقرار استادان این مترجمان است؛ برای نمونه، میر اسدالله شوشتری، از مترجمان برجسته در نیمه نخست قرن دهم هجری، ترجمه *الفیه* را در نجف، به درخواست استاد خود، علی بن عبدالعالی کرکی به انجام رساند (منشی قمی، ۱۳۸۳، ج. ۳۸۷/۱). همچنین، زواره‌ای، شاگرد محقق کرکی و استاد ملا فتح‌الله کاشانی در همین چارچوب قرار می‌گیرد.

مکان‌یابی ترجمه‌ها در پایتخت و مراکز ایالات:

بسیاری از ترجمه‌های قرن دهم هجری، هم‌زمان با آغاز حکومت صفویه، در پایتخت شاهان صفوی و مراکز ایالات نگاشته شدند. این موضوع ناشی از آن بود که در این مقطع هنوز حوزه‌های علمیه در ایران

نهاده‌ها نشده بود و به تدریج، با جذب عالمان شیعه، ساختارهای آموزشی و تربیتی شکل گرفت. همچنین، مترجمان - چه در زمره علمای شاخص و چه در سطوح میانی - اغلب آثار ترجمه‌شده خود را به دربار عرضه می‌کردند؛ چنان‌که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، حجم درخور توجهی از ترجمه‌ها تحت حمایت شاهان، شاهزادگان و امرا انجام گرفته است؛ موضوعی که با فرضیه «درباری بودن ترجمه‌ها» هم‌خوانی دارد.

نقش شهرها در پذیرش تحول مذهبی:

برخی شهرهای ایران، در مواجهه با حرکت شاه اسماعیل صفوی، مقاومتی از خود نشان ندادند (امینی، ۱۳۸۳، ص. ۲۰۶-۲۰۷). این موضوع می‌تواند نشان‌دهنده آمادگی این شهرها برای پذیرش تغییرات پیش رو باشد. از جمله، شهرهایی نظیر تون، سبزوار و

کاشان در این دسته جای می‌گیرند؛ از این‌رو، وجود پسوند این شهرها در نام بسیاری از مترجمان، امری بی‌دلیل نیست؛ باین‌حال، شناسایی مکان‌های ترجمه، بسته به شواهد موجود، گاه با قطعیت و گاه با تردید صورت می‌گیرد.

بررسی تطبیقی اطلاعات به‌دست‌آمده از ۲۹۲ ترجمه دوره صفوی، نشان می‌دهد که تنها ۳۷ ترجمه، به طور صریح به مکان انجام ترجمه اشاره دارند. برای دریافت جزئیات این مکان‌ها، می‌توان به پیوست شماره ۱ مراجعه کرد. تجزیه و تحلیل این داده‌ها، علاوه بر ارائه اطلاعات تاریخی ارزشمند، امکان ارزیابی انتقادی استنباط‌های پیشین را نیز فراهم می‌آورد. جدول شماره ۴ اطلاعات مکانی این ۳۷ ترجمه را نمایش می‌دهد.

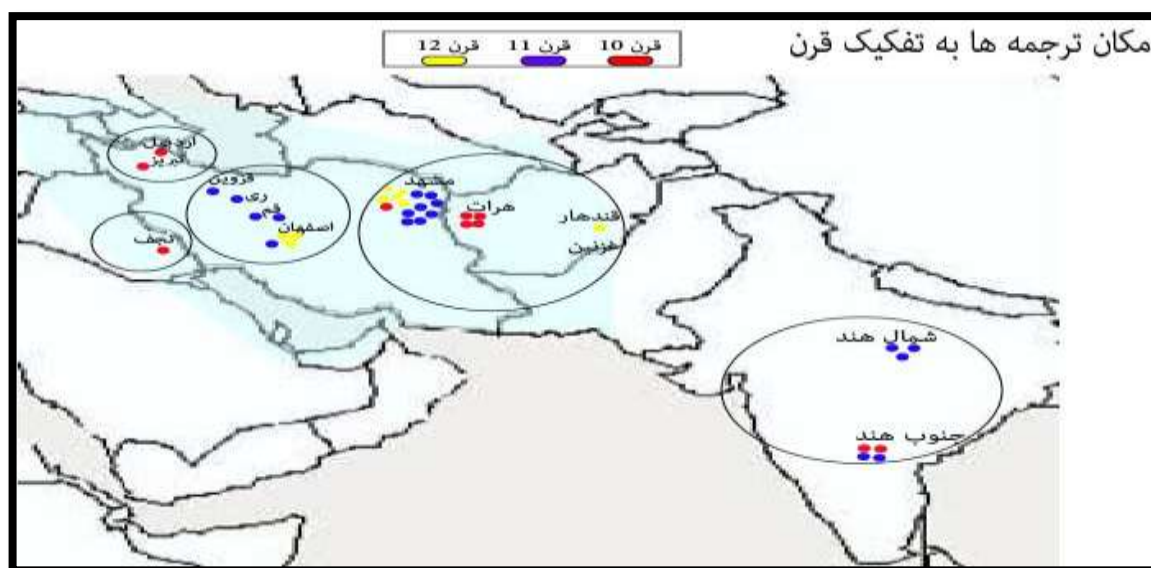
جدول شماره ۴. پراکندگی مکان ترجمه‌ها طی بیش از دو قرن حیات سیاسی صفوی

مکان زمان	هرات	مشهد	هند	اصفهان	قم	قزوین	قندهار	اردبیل	آذربایجان	ری	غزنه	نجف	جمع
قرن ۱۰	۴	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۰	۱	۸
قرن ۱۱	۰	۹	۵	۲	۱	۱	۰	۰	۰	۱	۱	۰	۲۰
قرن ۱۲	۰	۵	۰	۳	۰	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۹
جمع	۴	۱۴	۶	۵	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۳۷

۴. گستره جغرافیایی ترجمه‌ها

براساس داده‌های گردآوری‌شده از دیباچه ترجمه‌ها، می‌توان ۱۲ مکان را به‌عنوان کانون‌های ترجمه شناسایی کرد. نخستین دریافت از این اطلاعات، نشان‌دهنده گستردگی جغرافیایی ترجمه در این دوره است؛ به‌گونه‌ای که این فعالیت‌ها گستره‌ای از عراق عرب تا شبه‌قاره هند را دربرمی‌گیرد. تصویر شماره ۱ با استفاده از نقشه و رنگ، تمرکز و حرکت جریان

ترجمه را در گستره جغرافیای مشخص‌شده ایران صفوی در طول محور زمان نشان داده است. در یک دسته‌بندی کلی، مکان‌های شناسایی‌شده را می‌توان در پنج حوزه عمده جای داد. به‌استثنای هند - که در چارچوب پژوهش حاضر نمی‌گنجد - دو حوزه «مرکز ایران» و «شرق ایران» بیشترین نقش را در فرایند ترجمه‌های دوره صفوی ایفا کرده‌اند.



تصویر شماره ۱. نقشه ترجمه‌ها به تفکیک قرن

سده دهم هجری، شاخص است. می‌توان هرات را در شرق ایران در نیم قرن اول حیات صفویان کانون ترجمه و تألیف و مرکز زایش فکری آن دوران ارزیابی کرد.

مشهد تقریباً از نیمه دوم سده دهم هجری، جای هرات را گرفت. با وجود این، التهاب مباحث دینی این شهر پیش از این تاریخ نیز وجود داشت. این مطلب را می‌توان از بررسی آن دسته از آثار ترجمه‌شده‌ای فهمید که در مشهد تألیف شده بودند. در این باره باید توجه را به رساله المناظره ابن ابی‌جمهور (۸۷۸ق) که در مشهد تألیف شده بود، جلب کرد. در میان ترجمه‌های دوره صفوی رساله المناظره ابن ابی‌جمهور بارها در کانون توجه قرار گرفت. سه ترجمه از این اثر در این دوران انجام گرفت. همچنین علی بن حسین محقق کرکی نیز رساله واجبات الصلاة مشهور به رساله الجعفریه - خود را در سال‌های نخست حکومت شاه اسماعیل اول صفوی در مشهد تألیف کرد. به تدریج از نیمه دوم سده دهم هجری، مشهد با وجود توجه ویژه شاه تهماسب به کانون ترجمه و تألیف منابع شیعی تبدیل

از میان پنج قطب جغرافیایی تعیین‌شده در نقشه، محور شرق بیشترین تمرکز را در ترجمه‌ها نشان می‌دهد. در این میان هرات مرکز تجمع ترجمه‌ها بود. در واقع قدرت و ثروتی که پیش از صفویان در شهر هرات تجمع یافته بود، این شهر را به کانونی برای تجمع و فعالیت علما و هنرمندان تبدیل کرده بود. از شناسایی مترجمان سده نخست صفوی معلوم شد که شماری از آنان در هرات تحصیل و پس از نشو و نما در خدمت مراکز قدرت قرار گرفته بودند. این علما که در بستر فرهنگی و علمی غنی خراسان پرورش یافته بودند، هریک در نقاط مختلف قلمروی صفوی به تدریس و ارائه خدمات فرهنگی و علمی مشغول شدند. از جمله این عالمان، می‌توان به عبدالعلی بیرجندی و ابوالفتح حسینی اشاره کرد. ابوالفتح حسینی، مربی شاهزاده سلطانم خواهر شاه تهماسب یکی از این شخصیت‌ها بود. او پس از خروج از خراسان، در اردبیل سکنی گزید و در این شهر به تدریس و تربیت شاگردانی پرداخت. مهم‌تر از همه باید از کمال‌الدین عبدالحق الهی اردبیلی یاد کنیم. کسی که با توجهش به نهج البلاغه در میان مترجمان

شد. وجود «سرکار فیض آثار»، در کنار مدارس فراوان و پُروونقی این شهر، بسیاری از دانش‌دوستان را به سمت خود جذب کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۲، ج. ۲/۲۵۰-۲۶۲؛ بخشی استاد و احمدی، ۱۳۹۲، ص. ۵۱). تعداد بسیاری از مترجمان سده یازدهم هجری نیز ترجمه‌های خود را در جغرافیای خراسان و در شهر مشهد به انجام رساندند. برخی از مترجمان نیز در شهر مشهد رحل اقامت افکنده و حیات علمی خود را در این شهر سپری کردند و در همین شهر درگذشتند و مدفون شدند.^۱ به این ترتیب می‌توان به این ایده نزدیک شد که شرق قلمرو صفویان در نیمه اول سده نخست حیات آنان، عرصه رقابتی نسبی در مذهب و ایدئولوژی تشیع و تسنن بوده است.

۵. خراسان در کشاکش سیاسی صفویان و ازبکان

خراسان، پس از فتوحات شاه اسماعیل در سال‌های ۹۱۶ تا ۹۱۹ق، به‌طور مکرر صحنه نزاع میان صفویان و ازبکان بود. شاه اسماعیل، پس از نبرد غجدوان و گسترش ناامنی در این ایالت، دورمیش خان را برای سامان‌دهی اوضاع به خراسان اعزام کرد. دوران آرامشی که با حضور دورمیش خان برقرار شده بود (خواندمیر، ۱۳۹۰، ص. ۱۸۵، ۲۱۱)، پس از درگذشت وی در سال ۹۳۲ق از میان رفت و این وضعیت تا سال ۹۴۳ق، یعنی پیش از انتصاب محمد خان شرف‌الدین اوغلی تکللو به حکومت خراسان، ادامه یافت. در این سال‌ها، رقابت و کشمکش مستمری میان صفویان و ازبکان بر سر تصرف خراسان وجود داشت که موجب مهاجرت گسترده‌ای از شرق به غرب ایران شد.

شاه تهماسب در سال ۹۴۳ق، با هدف سامان دادن اوضاع خراسان محمد خان شرف‌الدین اوغلی تکللو را که در نبرد جام، شایستگی خود را در برابر ازبکان نشان داده و پیش‌تر نیز در بغداد تجربه رویارویی با سپاه عثمانی را اندوخته بود، به همراه شاهزاده محمد خدابنده برای مدیریت اوضاع این ایالت مهم به هرات اعزام کرد. موفقیت‌های او در خراسان، منجر به ثبات نسبی در این ایالت شد. در کنار اقدامات نظامی و عمرانی، وی توجه ویژه‌ای به امور فرهنگی و حمایت از ترجمه متون علمی و دینی داشت (خواندمیر، ۱۳۹۰، ص. ۱۹۹). از جمله، عبدالحی بن عبدالوهاب اشرفی جرجانی، از شاگردان محقق کرکی، کتاب مکارم الاخلاق را در سال ۹۶۴ق برای محمد خان ترجمه کرد. این مترجم، همچنین، رساله الفیه شهید اول را در آذربایجان برای سلیمان بیک ترجمه کرد (اشرفی جرجانی، ۹۸۳ق، برگ ۲۴۷). این نکته که اشرف الدین جرجانی، اثری را در غربی‌ترین نقطه قلمرو صفویان و اثر دیگری را در شرقی‌ترین بخش آن ترجمه کرده است، نشان‌دهنده آن است که سیاست حامیان ترجمه در سراسر قلمرو صفویان از الگوی واحدی پیروی می‌کرد.

با این حال، شاه تهماسب، به دلیل بی‌اعتمادی به محمد خان و تصور اینکه با مرگ عبدالله خان ازبک، تهدید ازبکان کاهش یافته و اوضاع خراسان در مسیر آرامش قرار گرفته است، وی را از حکومت خراسان عزل و به حکومت اصفهان منصوب کرد. این تغییر دیری نپایید و شاه تهماسب بار دیگر حکومت خراسان را به او بازسپرد. پس از درگذشت محمد خان شرف‌الدین اوغلی تکللو، پسرش قزاق خان به حکومت خراسان رسید و تا پیش از شورش وی در ۹۷۲ق، همانند پدر از فعالیت‌های فرهنگی و ترجمه حمایت کرد (روملو، ۱۳۸۹، ج. ۳/۱۴۳۷). در این

^۱ از این جمله می‌توان به ملا محمد صالح بن محمد باقر روغنی قزوینی اشاره داشت. او توحید مفضل، عیون الاخبار الرضا و حکمت اسلام را در شهر مشهد ترجمه کرد.

دوره، نصیرالدین محمد بن عبدالکریم انصاری، کتاب *عده الداعی و نجاح الساعی* را به سفارش قزاق خان ترجمه کرد (انصاری، ۹۶۷ق، برگ ۴). در سایه حمایت‌های محمد خان شرف‌الدین اوغلی تکللو و فرزندش، شهر هرات به یکی از مراکز فعال در حوزه ترجمه تبدیل شد (انصاری، ۹۶۳ق، برگ ۲).

در نیمه نخست قرن دهم هجری - یعنی دوره حکومت شاه اسماعیل و اوایل سلطنت شاه تهماسب - در حالی که خراسان به‌طور مداوم در معرض تغییر و جابه‌جایی بود، کتاب *التقایه فی مختصر الوقایه* با موضوع فقه حنفی، در سال ۹۳۷ق، تحت حمایت عیدالله خان ازبک به فارسی ترجمه شد. مترجم این اثر، محمد بن محمد جرجانی، هدف از این ترجمه را مقابله با گسترش «عقاید ناصواب» (جرجانی، ۹۳۷ق، برگ ۲) عنوان کرده است. این اقدام نشان می‌دهد که اهل سنت نیز به اهمیت ترجمه متون دینی واقف بوده و در این زمینه فعالیت داشته‌اند. وجود ترجمه‌هایی از هر دو جریان تشیع و تسنن در هرات، نشان‌دهنده آن است که این شهر تا پیش از تغییر جایگاه خود در خراسان به‌نفع مشهد، از مراکز اصلی فعالیت‌های ترجمه بوده است. فعالیت گسترده ترجمه در هرات موضوعی تعجب‌برانگیز نیست؛ چراکه این شهر، به‌عنوان میراث فرهنگی و علمی سلطان حسین بایقرا، از پیشینه درخشانی برخوردار بود.

شاه تهماسب در طی مدت طولانی حکمرانی خود اقدامات فرهنگی گسترده‌ای انجام داد. رغبت و پیگیری‌های مداوم شاه تهماسب به ترجمه منابع شیعی و تشویق مترجمان را از توضیحات ابراهیم بن ولی‌الله حسینی استرآبادی مترجم *رساله حسنیه* بهتر می‌توان لمس کرد (استرآبادی، ۹۵۸ق، برگ ۳-۴).

نتیجه قطعی این تلاش‌ها تسریع روند نهادینه

شدن تشیع امامیه در ایران بود. همچنین، توجه ویژه شاه تهماسب به مشهد، به این شهر جایگاهی در ترویج فکر شیعی داد؛ بنابراین آن‌چنان‌که مورخان و محققان این عصر از نزاع ازبکان و صفویان بر سر ماترک تیموریان در خراسان می‌گویند، ظاهراً تنها بُعد سیاسی و نظامی نداشته است (جرجانی، ۹۳۷ق، برگ ۲).

شاه تهماسب تا انتهای زمامداری خود، اموال و املاک بسیاری را وقف و بنا به نوشته منشی قمی او سیورغال فراوانی را واگذار کرد. بخشی از این نان‌پاره‌ها در راستای تقویت علمای شیعه و حمایت از فعالیت‌های تبلیغی آنان بود (منشی قمی، ۱۳۸۳، ج. ۵۹۷/۱). توسعه مدارس و موقوفات، زنجیره به‌هم‌مرتبطی را ایجاد کرد که به افزایش ترجمه‌ها منجر شد.

با این احوال، شهرهای مذهبی روی در مسیر کمال و ترقی گذاشتند. رشد موقوفات این شهرها حکایت از اهمیت یافتن تدریجی آن‌ها داشت. باوجود «سرکار فیض آثار» صفویان در شرق ایران، شهری به اهمیت مشهد نمی‌شناختند؛ بنابراین مجموعه‌ای از عوامل سلبی و ایجابی زمینه اهمیت تدریجی و روزافزون مشهد و در سایه قرار گرفتن هرات را موجب گشت. هرچند وجهه سیاسی هرات کم‌وبیش باقی ماند.

۶. حیات سیاسی هرات در سایه رشد فرهنگی مشهد
هرات، به‌عنوان آخرین تختگاه تیموریان در خراسان، برای دو رقیب شرقی - صفویان و ازبکان - اهمیتی راهبردی داشت و همین امر، منجر به درگیری‌های مکرر بر سر آن شد. هرات در دوره نخست صفوی صحنه تقابلی مذهبی بود. اگرچه به نظر می‌رسد، استناد به محتوای یک اثر غیرشیعی برای نمونه،

تکافوی استدلال نمی‌کند، اهمیت ترجمه‌النتایه فی مختصرالوقایه، بیشتر به زمانه انجام ترجمه بازمی‌گردد. این اثر در اوج درگیری‌های خراسان و در وضعیتی که این منطقه پیوسته میان صفویان و ازبکان جابه‌جا می‌شد، ترجمه شده است. مترجم این اثر، امیر ازبکان عبیدالله خان ازبک را «مربی ارباب علم و اهل صلاح و انتباه» دانسته و هدف از ترجمه آن را «نفع به مسلمانان و رضای حضرت رحمن» عنوان کرده است (جرجانی، ۹۳۷ق، برگ ۲).

صفویان در نخستین سال‌های حاکمیت خود، کوشیدند تغییرات گسترده‌ای را در ساختار مذهبی هرات ایجاد کنند. از جمله، تمایل محقق کرکی به مباحثه با شیخ الاسلام هرات، که در نهایت با قتل وی توسط شاه اسماعیل مواجه شد، و همچنین انتصاب عزالدین حسین عاملی به عنوان شیخ الاسلام این شهر، نمونه‌هایی از این تلاش‌ها بودند (افندی اصفهانی، ۱۳۶۹، ج. ۱۳۴/۲)؛ با این حال، هرات زمینه مناسبی برای پذیرش تغییرات گسترده نداشت و در نتیجه، مشهد جایگزین آن در گسترش آموزه‌های شیعی شد. مشهد از دهه چهارم قرن دهم هجری به تدریج مدنظر صفویان قرار گرفت. از جمله، شاه تهماسب در سال ۹۴۰ق دستور داد گنبد رضوی را با طلا تزیین کنند (عبدی بیک، ۱۳۶۹، ص. ۱۱۰). در اقدام مهم دیگری، در سال ۹۶۲ق، سلطان ابراهیم میرزا، فرزند بهرام میرزا، که شاه تهماسب به وی اعتماد و توجه داشت، به حکومت مشهد منصوب شد (منشی قمی، ۱۳۸۳، ج. ۳۸۲/۱). سپردن اداره خراسان، از سمنان تا هرات، به ابراهیم میرزا در سال ۹۶۲ق، نشانه آشکاری از رونق افتادن هرات و اهمیت یافتن مشهد است. در ادامه این تغییرات، قزاق خان، پسر محمد

خان شرف‌الدین اوغلی تکلو در سال ۹۶۴ق جای پدر را گرفت؛ با این حال، حکومت قزاق خان نیز چندان پایدار نبود و در سال ۹۷۲ق، شورش او سرکوب و حکومتش به پایان رسید (روملو، ۱۳۸۹، ج. ۱۴۳۷/۳). این تحولات، در مجموع، به تضعیف موقعیت سیاسی هرات و تثبیت جایگاه مشهد به عنوان مرکز مذهبی و علمی خراسان انجامید.

هرات، به عنوان میراث تیموریان، همچنان از اهمیتی نسبی در ساختار سیاسی برخوردار بود؛ اما مشهد به تدریج جایگاه علمی و مذهبی برتری یافت و به مرکزی برای تولید فکر و اندیشه شیعی تبدیل شد. نه تنها تعداد ترجمه‌ها در این شهر افزایش یافت، بلکه برخی مترجمان نیز فعالیت‌های علمی خود را به مشهد منتقل کردند (قزوینی، ۱۱۲۱-۱۱۳۰ق، برگ ۴). بررسی نسخه‌های ترجمه نشان می‌دهد که میزان این آثار در مشهد به شکل محسوسی بیشتر از دیگر مناطق است (توسلی و عظیمی، ۱۳۹۶، ص. ۲۰۰). این روند، حاکی از افزایش شمار مدارس و حوزه‌های علمیه مشهد و توسعه مراکز علمی و آموزشی در این شهر است.

۷. شهرهای صفوی و واسپاری نقش‌های جدید به

آنها

صفویان، به عنوان حکومتی که تأثیرات عمیقی بر تحولات فرهنگی ایران برجای گذاشتند، به شهرهای مختلف نقش‌های متمایزی محول کردند. در واقع با استقرار حکومت صفوی، تغییرات سیاسی و مذهبی گسترده‌ای در ایران شکل گرفت که منجر به برجسته شدن برخی شهرها و واگذاری نقش‌های جدید به آنها شد. برخی از این شهرها جایگزین پایتخت‌های پیشین شدند و در مسیر ایفای وظایف تازه‌ای قرار

گرفتند. یکی از راه‌های بررسی این تغییرات، مطالعه ترجمه‌ها و تولیدات فکری این دوران است؛ چراکه ترجمه‌ها به عنوان یکی از شاخص‌های مهم حیات فرهنگی، بازتابی از میزان اهمیت شهرها در عرصه اندیشه و دانش محسوب می‌شوند. آنچه در پراکندگی مکانی ترجمه‌های دوره صفوی می‌توان مشاهده کرد، تمرکز مستمر بر مشهد و ظهور برخی دیگر از شهرها همچون قم و اصفهان است. این شهرها نه به عنوان رقیب، بلکه به عنوان مناطقی موازی با مشهد در تولیدات فکری نقش آفرینی کردند. در همین راستا، جایگزینی هرات و تبریز با مشهد و قزوین را می‌توان به منزله گذار به مرحله جدیدی از تاریخ ایران ارزیابی کرد.

این دو شهر در ابتدای کار صفویان، پایگاهی برای توسعه طلبی آن‌ها محسوب می‌شد؛ اما شکست‌های شاه اسماعیل اول در جنگ‌های غجدوان و چالدران، محدودیت‌های سرزمینی حکومت صفوی را مشخص کرد و تأثیرات عمیقی بر جغرافیای سیاسی ایران گذاشت (خواندمیر، ۱۳۹۰، ص. ۷۹). صفویان که برای گسترش قلمرو خود با مانع ازبکان و عثمانیان مواجه شده بودند، دیگر امکان استفاده از تبریز و هرات به عنوان پایگاه‌های اصلی حکومت را نداشتند؛ از این رو، این دو شهر به حاشیه قلمروی صفوی رانده شدند؛ چنان‌که منشی قمی درباره انتقال پایتخت از تبریز به قزوین می‌نویسد، این اقدام به دلیل آن بود که «بیشتر در مرکز قلمرو قرار داشت» (منشی قمی، ۱۳۸۳، ج. ۳۷۸/۱). به دنبال این ناکامی‌ها، تمرکز حکومت از شهرهای حاشیه قلمرو، به شهرهای داخلی منتقل شد و این موضوع زمینه را برای نقش آفرینی برخی مراکز جدید در درون ایران فراهم کرد. همچنین، جایگزینی مشهد به جای هرات، نه تنها موجب افول هرات شد، بلکه

مشهد را به مرکز تولید اندیشه‌های شیعی و قطب فرهنگی حکومت صفوی بدل ساخت.

بررسی مکان‌های ذکر شده در متون ترجمه شده دوره صفوی نشان می‌دهد که نقش‌های جدیدی به این شهرها واگذار شده است. در واقع، صفویان ساختار سیاسی تازه‌ای ایجاد کردند که امکان ایفای نقش‌های نوین را برای شهرهای مختلف فراهم ساخت. از دهه ۹۴۰ ق، مشهد به تدریج جایگاه هرات را تصاحب کرد. قزوین در سال سی و دوم سلطنت تهماسب به عنوان دارالسلطنه صفوی مدنظر قرار گرفت و سرانجام در سال ۱۰۰۶ ق، پایتخت از قزوین به اصفهان منتقل شد. در این میان، شهر قم نیز از همان ابتدا در کانون توجه قرار گرفته بود و شاه تهماسب و دیگر شاهزادگان و امرا موقوفات و منابع مالی گسترده‌ای را به آن اختصاص دادند. هریک از شهرهایی که در دوره صفوی جایگزین مراکز پیشین شدند، به ایفای نقش‌هایی متناسب با سیاست‌های جدید پرداختند. این شهرها در بستر شبکه به هم بسته ساختارهای مذهبی و علمی جدید- بقاع متبرکه، مدارس و مساجد- که توسعه آن‌ها با موقوفات عظیمی تأمین مالی می‌شد، توسعه یافت و در فرایند تغییر نقشی اساسی ایفا کردند. این نهادها، ضمن تضمین حیات فرهنگی و دینی شهرها، به گسترش تولیدات فکری و تحکیم جایگاه آن‌ها در ساختار حکومت صفوی کمک کردند.

در نگاهی کلی، تحلیل جغرافیای ترجمه‌ها این دوران نشان می‌دهد که نقش فرهنگی شهرهای مرکزی ایران بر نقش سیاسی آن‌ها تقدم یافته است. هرات و تبریز، تا زمانی که در مرکز قلمروی گسترده‌ای قرار داشتند، از جایگاه مهمی برخوردار بودند. الگوی

جدیدی که بر مبنای اهمیت یافتن شهرهای داخلی شکل گرفت، تداوم یافت و تأثیر آن را می‌توان در تحولات تاریخ معاصر ایران نیز مشاهده کرد.

۸- پراکنش ترجمه‌ها

بررسی میزان کتابت‌ها و پراکنش ترجمه‌هایی که مکان آن‌ها معلوم گشته است نیز خالی از اطلاعات تاریخی نخواهد بود. از نظر آماری، برخی شهرها در ترجمه آثار شیعی برتری عددی داشتند. در این زمینه توجه به کانون‌های آموزشی و منابع مالی حائز اهمیت است. در واقع جریان ترجمه و استنساخ آن‌ها هرکجا که بستر ذکرشده فراهم بود، بیشتر نمود داشت. همچنین، کتابت‌های پرشمار این ترجمه‌ها نشان‌دهنده نقش مهم آن مکان‌ها در حدود جغرافیایی قلمروی صفوی است.

تحلیل موضوع ترجمه‌های دوره صفوی نشان‌دهنده تحولات فکری این دوره در گذر زمان است. در طول بیش از دو سده حیات سیاسی صفویان، روند کلی ترجمه‌ها حاکی از رشد پیوسته موضوع حدیث بود (نمودار شماره ۱). گردآوری و ترجمه مجموعه‌های حدیث با هدف اشاعه معارف شیعی، به تقویت جریان اخباری در شیعه امامیه انجامید. در اوایل قرن یازدهم هجری محمد امین استرآبادی جریان اخباری را تبیین و تقویت کرد. او با نگارش آثاری همچون *فوائد المدنیه* و *دانش‌نامه شاهی* به دفاع از حدیث و تقویت دیدگاه‌های اخباری

پرداخت. باوجود غلبه گرایش اصولی در آغاز حکومت صفوی (رضوی، ۱۴۰۱، ص. ۱۰)، این پرسش مطرح می‌شود که از چه زمانی گرایش اخباری توانست به قرائت غالب در میان شیعه امامیه تبدیل شود؟ صفت گل اشاره می‌کند که هرچه به پایان دوره صفوی نزدیک تر می‌شویم، اخباریون قدرت بیشتری می‌یابند؛ اما روند دقیق این تحول را توضیح نمی‌دهد (صفت‌گل، ۱۳۸۹، ص. ۵۳۲). براساس جدول زمانی استنساخ نسخه‌های ترجمه‌شده (جدول شماره ۵)، نیمه دوم قرن یازدهم هجری نقطه عطفی در غلبه جریان اخباری بود. از این دوره به‌ویژه در زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان - گرایش اخباری به خوانش غالب شیعه امامیه تبدیل شد. شواهدی از این تحول را می‌توان در سخنان محمد صالح هروی، مترجم *وسائل الشیعه* مشاهده کرد. او هدف خود را در مقدمه این ترجمه تسهیل دسترسی مردم به احادیث ائمه دانسته است (هروی مشهدی، ۱۴۰۹، ص. ۳). همچنین، بررسی‌های انجام‌شده بر ۳۲۰ نسخه از کتب *ربعه حدیث* در کتابخانه مرعشی نشان می‌دهد که ۳۱ نسخه به قرن دهم هجری و باقی آن‌ها به قرن یازدهم هجری تعلق دارد (بخشی استاد و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۱۵) و نیز در قزوین، علم حدیث با حضور ملا خلیل قزوینی و برادرش، رشد چشمگیری یافت. مطابق جدول شماره ۵، تعداد استنساخ‌های انجام‌شده از ترجمه کافی که توسط قزوینی انجام شد، درخور توجه است.

جدول شماره ۵. کتابت‌های موجود از ترجمه‌ها

	قرن ۱۰			قرن ۱۱																قرن ۱۲														
	۹۸۰-۹۹۰	۹۹۱-۹۹۹	۱۰۰۰-۱۰۰۹	۱۰۱۰-۱۰۱۹	۱۰۲۰-۱۰۲۹	۱۰۳۰-۱۰۳۹	۱۰۴۰-۱۰۴۹	۱۰۵۰-۱۰۵۹	۱۰۶۰-۱۰۶۹	۱۰۷۰-۱۰۷۹	۱۰۸۰-۱۰۸۹	۱۰۹۰-۱۰۹۹	۱۱۰۰-۱۱۰۹	۱۱۱۰-۱۱۱۹	۱۱۲۰-۱۱۲۹	۱۱۳۰-۱۱۳۹	۱۱۴۰-۱۱۴۹	۱۱۵۰-۱۱۵۹	۱۱۶۰-۱۱۶۹	۱۱۷۰-۱۱۷۹	۱۱۸۰-۱۱۸۹	۱۱۹۰-۱۱۹۹	۱۲۰۰-۱۲۰۹	۱۲۱۰-۱۲۱۹	۱۲۲۰-۱۲۲۹	۱۲۳۰-۱۲۳۹	۱۲۴۰-۱۲۴۹	۱۲۵۰-۱۲۵۹	۱۲۶۰-۱۲۶۹	۱۲۷۰-۱۲۷۹	۱۲۸۰-۱۲۸۹	۱۲۹۰-۱۲۹۹		
هرات-مکرم الادب فی ترجمه مکرم الاخلاق	۱						۲		۲				۴	۲																				
هرات-مکرم الاخلاق	۱	۱	۱			۱			۱				۴	۱	۱	۲																		
هرات-ترجمه عده الدامی و نجاح الدامی	۲						۱		۱				۱			۲																		
هرات-ترجمه الفقیه فی مختصر الوقایه	۱														۲																			
هند-الخراج والخراج																																		
بجانب رساله الفقه	۱																																	
الترجمان-ترجمه رساله الفقه		۱																																
ازدبیل-رساله اعتقادات مستوفی									۱																									
مشهد-توحید مقفل-روغنی قزوینی-۱۰۸۰													۱									۱												
مشهد-عمون اخبار الرضا-روغنی قزوینی-۱۰۷۵													۲	۱	۱	۱	۱																	
مشهد-حکمت اسلام-روغنی قزوینی-قرن ۱۱													۱																					
مشهد-صور الکواکب حسن بن سعد قزوینی-۱۰۴۳									۱				۱																					
مشهد-احقاق الحق حسن بن عبدالوهاب طباطبائی یزدانی-۱۰۹۴															۱																			
مشهد-من لا یحضره الامام محمد صالح هروی-۱۰۹۱															۱																			
مشهد-جمال الانسوخ به کمال العمل المشروع محمد حسن بن رضوان-۱۰۷۷													۲																					
مشهد-حاصل الترحمان محمد صالح رضوی-۱۰۷۱													۲	۱								۱	۱											
هند-ترجمه مناظره ابن ابی جمیل محمد بن محمد گانگانی-۱۰۰۱									۳																									
قم-تذیبه الرافدین فی ابقاض النفس بذکر موت الرحیل محمد طاهر قمی-۱۰۸۷														۱	۲																			
قم-توحید منقذ النعم الذین ترک کتلی-۱۰۶۵													۳	۲	۲	۱																		
هند-ترجمه ارواح و روضه الافراح علی بن ابی حمزه محمد بن علی تبریزی-۱۰۱۱																۳																		
لزنویه-قزوینی المونی رساله ذبیبه-۱۰۷۴															۱																			
دکن-مکرم اخلاق طیفور سلطان-۱۰۶۱																																		
پری-صحیفه سجاده سلیم رازی-۱۰۶۸																																		
اصفهان-فتح الفلاح محمد جعفر حسینی اصفهانی-قرن ۱۱																																		
دکن-اربعین علی بن خاتون علم-۱۰۷۷																																		
قزوین-ترجمه کلی خلیل الله غازی-۱۰۴۴																																		
													۲۲	۲۳	۲۴	۴۹	۲	۲																
مشهد-نظم الفهرست وفیض الفهرست محمد یحیی قزوینی-۱۱۲۲																							۴	۲										
مشهد-عهد نام مالک اکثر محمد کلیم محمد فضل مشهدی-۱۱۰۴																							۱											
مشهد-رساله ذبیبه عبد الوابح نونی-۱۱۱۹																								۱										
مشهد-کنز المطلق محمد رضای قمی مشهدی-۱۱۰۵																								۲										
اصفهان-برگساده محمد یحیی قزوینی-۱۱۰۵																								۱										
اصفهان-سجده الفحوات و نهج القادات علی نقی طوسی-۱۱۱۱																								۱	۱	۱								
اصفهان-دعای صباح محمد صالح مارندری-۱۱۰۸																									۱	۲								
اصفهان-محمد هادی محمد میر لوجی سیرپاری قندهار-۱۱۱۲																									۱									

از درون جغرافیای ترجمه‌ها ارتباط بین حامیان، واقفان و موضوعات ترجمه مستفاد می‌شود. در واقع حامیان با تأسیس مدارس و اختصاص موقوفات بسیار فراوان به آن‌ها، سازوکاری را برای پراکندن موضوعات ترجمه فراهم کردند. از آن جمله در وقف‌نامه مدرسه سلطانی تصریح شده است: «اقلاً یک درس [مدرس] از کتب مشهوره احادیث شریفه اهل بیت باشد و از مباحثه کتب حکمت، صرف و تصوف در مدرسه مبارکه احتراز نماید» (اشکوری، ۱۳۸۸، ج. ۹۳/۳). این موضوع نشان‌دهنده نقش واقفان در تعیین محتوای آموزشی مدارس و تأثیر مستقیم آنان بر موضوعات علمی و مذهبی تدریس شده است. «در واقع نهاد وقف، مهار

مادی مدارس را در اختیار داشت و هر واقفی می‌توانست اندیشه‌های پذیرفته‌شده خود را از این طریق در برنامه‌های آموزشی مدارس بگنجانند» (بخشی استاد و احمدی، ۱۳۹۲، ص. ۱۵).

نهاد وقف یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی در جوامع اسلامی به شمار می‌آمد و تأثیر عمیقی بر ابعاد مختلف زندگی اجتماعی می‌گذاشت. محقق حلی در شرایع الاسلام وقف را به‌عنوان «تسبیل منافع»، یعنی صرف اموال در جهتی که واقف تعیین کرده است، تعریف می‌کند (محقق حلی، ۱۳۷۴، ج. ۳۴۳/۱). گستردگی این نهاد در دوره صفوی، به دلیل رویکرد مذهبی این حکومت، به سطح بی‌سابقه‌ای رسید.

صفویان به‌عنوان حامیان تشیع امامی، موقوفات فراوانی را در جهت توسعه معارف «فرقه ناجیه» اختصاص دادند. تأثیر گسترده موقوفات در این دوره چنان بود که کمپفر (Kaempfer) شناخت تحولات دربار صفوی را بدون در نظر گرفتن مدیریت منابع عظیم مالی موقوفات غیرممکن می‌دانست. به اعتقاد او، اشراف و بزرگان برای تصدی امور موقوفات با یکدیگر رقابت داشتند (کمپفر، ۱۳۶۳، ص. ۱۳۹). گستردگی موقوفات مستلزم ایجاد سازوکاری برای اداره آن‌ها بود. در ساختار اداری صفویان، نظارت بر موقوفات بر عهده «صدر» قرار داشت که با در اختیار داشتن منابع مالی عظیم، مسئولیت ترویج دین را بر عهده داشت (روملو، ۱۳۸۹، ج. ۱۲۹۷/۳). متولیان موقوفات موظف به رعایت نهایت دقت در اداره اموال وقفی بودند؛ چراکه هرگونه تخطی از این وظایف پیامدهای سنگینی در پی داشت (شاه طهماسب، ۱۳۴۳، ص. ۳). شاهان، شاهزادگان و امرای صفوی در تمامی ادوار این حکومت در وقف اموال مشارکت فعال داشتند. منابع تاریخی صفوی بارها به این موقوفات اشاره کرده‌اند. شاهزاده سلطانم، خواهر شاه تهماسب، از جمله زنان بانفوذ صفوی بود که به کریم الطبع بودن و دانش دوستی شهرت داشت. او علاوه بر وقف موقوفات فراوان، از ترجمه چندین اثر حمایت کرد؛ به عنوان نمونه، ابوالفتح حسینی در سایه حمایت او، ترجمه و شرح اعتقادات صدوق را انجام داد (ابوالفتح بن حسینی، ۱۰۵۱-۱۰۶۰ق، برگ ۱). قاضی احمد قمی در خلاصه التواریخ، در گزارش مربوط به سال ۹۶۹ق، از موقوفات چهارده معصوم که شاهزاده سلطانم آن را وقف کرده بود، یاد می‌کند. با گذر زمان و افزایش ثبات سیاسی و اقتصادی، میزان موقوفات در دوره صفوی به تدریج افزایش یافت (احمدی، ۱۳۸۴، ص. ۴۳-۴۴). این روند با رشد

چشمگیر ترجمه‌ها در اواخر دوران صفوی همخوانی دارد (جدول شماره ۳).

حجم گسترده‌ای از این موقوفات به بقاع متبرکه، مدارس و حوزه‌های علمیه تعلق داشت. شاردن (Chardin) در سفرنامه خود به تعداد بی‌شمار مدارس اشاره می‌کند که هزینه‌های خود را از طریق موقوفات تأمین می‌کردند (شاردن، ۱۳۷۴، ج. ۹۳۷/۳). شاردن تصریح می‌کند که از دوران شاه سلیمان به بعد، مدارس در اصفهان و دیگر مناطق توسعه چشمگیری یافتند. او به وجود ۵۳ مدرسه در اصفهان اشاره کرده و تأکید دارد که مدارس، نه تنها در شهرهای بزرگ، بلکه در شهرک‌ها و روستاها نیز تأسیس شده بودند (شاردن، ۱۳۷۴، ج. ۹۳۹/۳). عباسقلی خان شاملو، بیگربیگی خراسان، در وقف‌نامه خود از فراوانی مدارس در مشهد سخن گفته و افزایش تعداد طلاب و کمبود امکانات را دلیل وقف اموال خود دانسته است (وقف‌نامه شماره ۵، بایگانی اداره اوقاف مشهد، به نقل از احمدی، ۱۳۹۰، ص. ۵۰). پژوهش‌های احمدی پیرامون موقوفات کرمان، مشهد و اصفهان نشان می‌دهد که پس از بقاع متبرکه، بیشترین تعداد موقوفات به مدارس و حوزه‌های علمیه اختصاص داشت (احمدی، ۱۳۸۴، ص. ۴۷). پس از دوران شاه عباس، با ایجاد ثبات سیاسی و رونق اقتصادی، مدارس علمیه بزرگی در اصفهان و سایر شهرها ساخته شد. این مدارس که با هدف تربیت روحانیان شیعه تأسیس شده بودند، از حمایت گسترده مالی موقوفات برخوردار بودند (بخشی استاد و احمدی، ۱۳۹۲، ص. ۱۰)؛ بنابراین، گسترش ترجمه در این دوران امری بدیهی به نظر می‌رسید. سده یازدهم هجری، با وجود ۱۳۲ مترجم، که برخی از آنان وابسته به نهادهای دیوانی و دینی بودند، درخشان‌ترین دوره برای رشد ترجمه محسوب می‌شود.

موقوفات نه تنها به صورت غیرمستقیم در تألیف و ترجمه منابع شیعی نقش داشتند، بلکه گاه خود واقفان با نسخه‌برداری و وقف کتاب‌ها، به طور مستقیم در گسترش این آثار مشارکت می‌کردند. محمدتقی دانش‌پژوه در فهرست نسخ خطی کتابخانه قم اشاره می‌کند که شاه عباس تمامی کتب علمی خود را اعم از عربی و فارسی، به کتابخانه «سرکار فیض آثار» وقف کرده بود (منشی، ۱۳۹۰، ج. ۲/ ۹۴۰). نام زنان نیز در میان واقفان کتب علمی به وفور دیده می‌شود (جعفریان، ۱۳۹۸، ص. ۳۵۷). شواهد نشان می‌دهد که مشهد، با توجه به مدارس فراوان، حضور گسترده عالمان و شمار زیاد فراگیران علوم دینی، در زمینه کتابت و استنساخ نسخه‌ها عملکرد قدرتمندی داشته است. توسلی و عظیمی در پژوهش خود نشان داده‌اند که مدارس دینی و دانش‌آموختگان آنان، نقش چشمگیری در رونق کتابت نسخه‌های خطی در خراسان بزرگ طی دوره‌های تیموری و صفوی داشته‌اند. یافته‌های این دو نشان می‌دهد که مدارس خراسان یکی از کانون‌های اصلی کتابت در این دوران بوده‌اند (توسلی و عظیمی، ۱۳۹۶، ص. ۱۹۶). محتوای تولیدشده در این مدارس، به طور طبیعی، تحت تأثیر درآمدهای موقوفات و خواست واقفان قرار داشت. این الگو، در مقیاسی کم و بیش مشابه، در دیگر شهرهای مهم صفوی همچون اصفهان، قزوین، قم و دیگر مراکز علمی نیز می‌توان مشاهده کرد.

۹- نتیجه‌گیری

در دوران صفوی، «ترجمه» به عنوان ابزاری کارآمد برای حمایت و تقویت اندیشه‌های شیعی استفاده شد؛ از این رو در سایه حمایت حکمرانان جدید ایران تا انتهای این دوران، بر شمار ترجمه‌ها و مترجمان افزوده شد. ترجمه‌های ذکرشده در کانون شهرهایی که پس از روی کار آمدن صفویان برجسته شدند،

انجام گرفت. این شهرها، از طریق ترجمه و با پشتوانه مدارس و موقوفات وابسته به آن‌ها به گسترش و نشر اندیشه‌های شیعه پرداختند.

داده‌های مکانی مستخرج از ترجمه‌های این دوران نشان از وسعت جغرافیای ترجمه‌ها دارد. جریان مستمر ترجمه‌های دوره صفوی نشان می‌دهد که کدام مکان‌ها به عنوان کانون‌های جدید بازتولید اندیشه‌های شیعی نقش‌آفرین بودند. مکان ترجمه‌ها نه تنها کم‌وکیف تغییرات، بلکه حامیان و آمرانی را که در این برنامه فرهنگی نقش‌آفرینی می‌کردند نیز نشان می‌دهد. در تکمیل این مطلب، بررسی جغرافیای ترجمه نشان داد که کانون‌های ترجمه و تولید و توزیع اندیشه شیعی در بخش مرکزی و شرقی ایران صفوی متمرکز بوده است.

همچنین پراکنش نسخه‌های «ترجمه» دارای مکان نشان می‌دهد، شهرها و مراکز ترجمه در نیمه دوم قرن یازدهم هجری بسیار فعال بودند. در طول این سده شاهان صفوی و به تبعیت از آنان، بسیاری از بزرگان و رجال این دوره، سرمایه‌های کلانی را به مدرسه‌سازی اختصاص دادند. موقوفات این مدارس، گسترده و متنوع بود. رشد تعداد مترجمان در این قرن، متناسب با افزایش شمار محصلان مدارس علمیه بود. بسیاری از این ترجمه‌ها و تألیفات در دل نظام آموزشی پویایی که در قرن یازدهم هجری شکوفا شده بود، تولید و منتشر شد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که ترجمه‌ها در مناطقی با موقوفات بیشتر، پررونق‌تر بودند. واقفان معمولاً در زمره حامیان ترجمه نیز قرار می‌گرفتند و آنان بودند که مشخص می‌کردند درآمد موقوفاتشان در چه حوزه‌هایی هزینه شود.

وظیفه خود می‌دانیم از استاد ارجمند، جناب آقای دکتر محمود فتوحی، که با رهنمودهای ارزشمندشان نویسندگان مقاله را بهره‌مند ساختند، صمیمانه قدردانی کنیم.

پیوست‌ها:

عنوان	مؤلف	مترجم	تاریخ تألیف هجری قمری	تاریخ ترجمه هجری قمری	پایگاه و خاستگاه مترجم	حامیان	مکان ترجمه
مکارم الاخلاق	ابونصر حسن بن فضل طبرسی	عبدالحی بن عبد الوهاب اشرفی جرجانی	۱۰۳۳ هـ.ق	۱۱۶۳ هـ.ق	فقیه - متکلم - شاگرد محقق کرکی	اهدا به شاه تهماسب و محمد خان	هرات
عده الساعی و نجاح الساعی	ابوالعباس احمد معروف به ابن فهد حلی	نصیرالدین محمد بن عبدالکریم انصاری	۱۰۶۱ هـ.ق	۸۱۶ هـ.ق	-	قزاق خان بن محمد خان	هرات
محاسن الاداب فی ترجمه مکارم الاخلاق	ابونصر حسن بن فضل طبرسی	نصیرالدین محمد بن عبدالکریم انصاری	۱۰۳۳ هـ.ق	۱۱۶۳ هـ.ق	-	به دستور محمد خان اهدا به شاه تهماسب	هرات
ترجمه النقایه فی مختصر الوقایه	عبدالله بن مسعود بن تاج الشریعه محمود	محمد بن محمد جرجانی	۱۰۳۳ هـ.ق	۸۱۶ هـ.ق	-	ابوالغازی عبیدالله خان ازبک	هرات
الخراجه و الجرایح	سعید بن هبه الله قطب الدین راوندی	محمد شریف خادم	۱۰۳۳ هـ.ق	۱۰۳۳ هـ.ق	مصاحب شاه تهماسب	سلطان ابراهیم قطب شاه	جنوب هند
ترجمه اعتقادات صدوق	ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)	ابوالفتح حسینی	۱۰۳۳ هـ.ق	۱۱۶۳ هـ.ق	عالم امامی - مؤلف تفسیر شاهی	شاهزاده سلطانی	دارالارشاد اردبیل
رساله الفیه	محمد بن مکی (شهید اول)	عبدالحی بن عبد الوهاب اشرفی جرجانی	۱۰۳۳ هـ.ق	۱۱۶۳ هـ.ق	فقیه، متکلم، شاگرد محقق کرکی	سلیمان بیک در آذربایجان	آذربایجان
حاشیه الفیه	علی بن حسین محقق کرکی	میر اسدالله شوشتری	۱۰۳۳ هـ.ق	۱۱۶۳ هـ.ق	شاگرد محقق کرکی	محقق کرکی	نخف
قرن دهم							
توحید مفضل = التوحید = کتاب الفکر = کنز الحقایق و المعارف مفضل بن عمر	مفضل بن عمر جعفری کوفی منسوب به امام صادق	ملا محمد صالح بن محمد باقر روغنی قزوینی	قرن دهم	قرن یازدهم	محدث و ادیب	-	مشهد

مشهد	درخواست دوستان	محدث و ادیب	۱۰۷۵ق	قرن دوم	ملا محمد صالح بن محمد باقر روغنی قزوینی	شیخ صدوق، منسوب به امام (رضاع)	عیون الاخبار الرضا
مشهد	-	محدث و ادیب	قرن یازدهم	قرن ششم	ملا محمد صالح بن محمد باقر روغنی قزوینی	عبدالواحد بن محمد آمدی	حکمت اسلام = ترجمه کلمات قصار امام علی(ع)
مشهد	به سفارش منوچهر خان حاکم مشهد	-	۱۰۴۱ق	قرن چهارم	حسن بن سعد قابنی	ابوالحسن عبدالرحمن بن عمر صوفی رازی	ترجمه صور الکواکب
مشهد	میرزا سعدالدین محمد وزیر شاه سلیمان	-	۱۰۹۴ق	قرن دهم	حسین بن عبدالوهاب طباطبائی بهبهانی	قاضی نورالله شوشتری	احقاق الحق و ازهاق الباطل
مشهد	به خواهش مقلدین و اهدا به محمد هادی بن رضا قلی مشهدی	عالم دینی	۱۰۹۱ق	قرن یازدهم	محمد حسن بن محمد صالح هروی	شیخ حر عاملی	ترجمه وسائل الشیعه یا هدایه الاحکام و بدایه الانام
مشهد	امین الدوله فرخ بیکا	-	۱۰۷۷ق	قرن هفتم	محمد حسین بن رضوان	ابن طاووس حلی	جمال الاسبوع به کمال العمل المشروع
مشهد	شاه عباس دوم	نقیب سادات رضویه	قرن یازدهم	قرن چهارم	محمد مهدی بن محمد صالح رضوی	ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)	حاصل الترجمان در ترجمه الاعتقادات صدوق
جنوب هند	سلطان محمد قطب شاه	خواهرزاده شیخ بهایی	۱۰۲۷ق	قرن یازدهم	شمس‌الدین محمد بن علی بن خاتون عاملی	شیخ بهایی	اربعین حدیث
دکن دربار قطب شاهی	میر شیر بن سید هبت‌الله بن میر عبدالکریم مازندرانی*	ادیب، مترجم، در خراسان مدتی شاگرد ابن خاتون عاملی و تفرشی بود.	۱۰۶۱ق	قرن ششم	علی بن طیفور بسطامی	ابونصر حسن بن فضل طبرسی	مکارم الاخلاق

هند	اخوان الصفاء خُلائ الوفا	-	قرن یازدهم	قرن دهم	محمد بن محمد کاشانی	ابن ابی‌جمهور احسائی	ترجمه المناظره ابن ابی‌جمهور
هند	اهدا به جهانگیر پادشاه	اهل تحقیق و طریقت	۱۱۱۱ ق	قرن هفتم	مقصود علی تبریزی	محمد بن محمود شهرزوری	نزهه الارواح و روضه الافراح = تاریخ الحکما
هند	-	شیخ الاسلام لاهیجان	۱۰۹۸ ق	قرن یکم	قطب‌الدین محمد بن شیخ علی شریف لاهیجی	کتاب آسمانی	ترجمه و تفسیر قرآن
اصفهان	آغا بیگم دختر شاه عباس اول	شیخ الاسلام اصفهان	قرن یازدهم	قرن یازدهم	ابوالمظفر محمد جعفر حسینی	شیخ بهایی	مفتاح الفلاح
اصفهان	-	نقاش دربار	قرن یازدهم	۱	محمد زمان خان نقاش	-	حدیقه العالم
قم	-	شیخ الاسلام قم	قرن یازدهم	قرن یازدهم	محمد طاهر محمد حسین قمی	محمد طاهر محمد حسین قمی	تنبيه الراقدین فی ایقاظ النفس بذكر موت الرحیل
قم	حاج نادر علی	مستبصر، متکلم و فقیه، محتملاً شاگرد محمد طاهر قمی	۱۰۶۵ ق	قرن دوم	فخرالدین ترکستانی	مفضل بن عمر جعفی کوفی منسوب به امام صادق(ع)	توحید مفضل
قزوین	اهدا به شاه عباس دوم	متکلم، فقیه، محدث، هم‌درس خلیفه سلطان	قرن یازدهم	قرن چهارم	مولانا خلیل‌الله غازی قزوینی	شیخ کلینی	ترجمه و شرح کافی
ری	-	شاگرد خلیفه سلطان	۱۰۵۹ ق	قرن یکم	ملا محمد سلیم رازی	علی بن حسین (امام سجاده(ع))	ترجمه و شرح صحیفه سجاده
بلده غزنویه	حاج علیرضا طالقانی	-	۱۰۷۴ ق	قرن دوم	مولانا محمد مؤمن قزوینی الموتی	منسوب به امام (رضا(ع))	طب الرضا
قرن یازدهم							
مشهد	سلطان حسین	واعظ وابسته به دربار	قرن دوازدهم	قرن ششم	عبدالکریم محمد یحیی قزوینی	عبدالواحد بن محمد آمدی	نظم الغرر و نضد الدرر

مشهد	اعتمادالدوله شاه قلی خان هنگام ورود سلطان حسین به مشهد	مدرس علوم دینی آستان قدس و خادم آن آستان	۱۱۰۷ ق	قرن دهم و یازدهم	محمد کاظم بن محمد فاضل شریف	محمد بن حسین شریف الرضی (منسوب به امام علی(ع))	ترجمه نهج البلاغه
مشهد	سلطان حسین	مدرس علوم دینی آستان قدس و خادم آن آستان	۱۱۰۶ ق	قرن دهم و یازدهم	محمد کاظم بن محمد فاضل شریف	امام علی(ع)	عهدنامه مالک اشتر
مشهد	سلطان حسین	عالم، ادیب، محدث، فقیه، شاگرد فیض کاشانی	۱۱۰۵ ق	قرن دهم و یازدهم	میرزا محمد بن محمد رضا قمی مشهدی	میرزا محمد بن محمد رضا قمی مشهدی	ترجمه کنز الدقائق و بحر الغرائب
مشهد	سلطان حسین	شاعر و منشی	دوازدهم قرن	قرن دهم	عبدالواسع تونی	منسوب به امام (رضا(ع))	رساله ذهبیه = تحفه الرضا
اصفهان	برای رستم خان سپهسالار	واعظ وابسته به دربار	قرن دوازدهم	قرن دهم و یازدهم	عبدالکریم محمد یحیی قزوینی	محمد بن زکریای رازی	برء الساعه
نیف آباد اصفهان	-	مترجم - نوّه محمد تقی مجلسی	۱۱۰۸ ق	قرن دهم و یازدهم	محمد هادی بن محمد صالح مازندرانی ملقب به مترجم	منسوب به امام علی(ع)	ترجمه دعای صبح
اصفهان	اهدا به سلطان حسین	از مشاهیر علما، شاگرد آقا جمال	۱۱۱۷ ق	قرن دهم و یازدهم	مولی محمد تقی بن علی نقی طبسی	ابن طاووس حلی	مهج الدعوات و مهج العبادات
قندهار	احباب و بزرگان	پسر محمد میرلوحی صاحب کفایه المهدی	۱۱۱۲ ق	قرن دهم و یازدهم	محمد هادی بن محمد میرلوحی سبزواری	شهید ثانی (زین الدین بن علی بن احمد عاملی)	ترجمه الصلاة
قرن دوازدهم							

منابع

اصفهان، ۲ (۴۰)، ۶۲-۶۱.
<https://www.sid.ir/paper/47776/fa>
 احمدی، نزهت (۱۳۹۰). در باب اوقاف صفوی
 (مجموعه مقالات). کتابخانه، موزه و مرکز اسناد
 مجلس شورای اسلامی.
<https://lib.ui.ac.ir/dL/search/default.aspx?Term=111853&Field=0&DTC=1>

ابوالفتح بن حسینی (۱۰۵۱-۱۰۶۰ق). ترجمه رساله
 اعتقادات صدوق. نسخه شماره ۱۰۱۷۶، کتابخانه
 مجلس شورای اسلامی (تهران).
 احمدی، نزهت (۱۳۸۴). تشیع و وقف در عصر
 صفوی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه

توسلی، وحید، و عظیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۶). کانون‌ها و ویژگی‌های کتابت در خراسان بزرگ: دوره تیموریان و صفویان. *فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، ۲۸ (۴)، ۱۹۳-۲۰۶.

https://nastinfo.nlai.ir/article_2118.html

جرجانی، محمدصلاح بن بدرالدین محمد (۹۳۷ق). ترجمه مختصر الوقایه. نسخه شماره ۱۸۸۹۲، کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران).
جعفریان، رسول (۱۳۸۸). سیاست و فرهنگ روزگار صفوی (ج. ۲). نشر علم.

جعفریان، رسول (۱۳۹۸). درباره وقف‌نامه‌های کتاب در دوره صفوی. نشریه مقالات و رسالات تاریخی، (۷)، ۳۲۷-۳۵۸.

<http://noo.rs/x8exx>

حسینی، محمدرضا (۱۳۹۲). نهضت ترجمه به فارسی در عصر صفوی. *فصلنامه مطالعات ترجمه ایران*، ۱۲ (۴۵).

<https://journal.translationstudies.ir/ts/article/view/245>

خواندمیر هروی، امیر محمود (۱۳۹۰). *ایران در روزگار شاه اسماعیل و شاه تهماسب صفوی*، (غلامرضا طباطبایی مجد، مصحح). موقوفات دکتر محمود افشار.

درایتی، مصطفی (۱۳۹۳). *فهرستگان نسخه‌های خطی ایران «فنخا»* (ج. ۴۵). سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

رجایی سید جلال، و بذرگر خضریگی، مهدی (۱۴۰۲). تحول موضوع و خاستگاه ترجمه‌های عربی به فارسی متون شیعی دوره صفوی در گذار از قرن ۱۰ به ۱۱. *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، ۳۳ (۳۱)، ۵۷-۸۳.

<https://doi.org/10.22051/hph.2024.46274.1708>

رضوی، محمد مهدی بن محمد صالح (۱۴۰۱). حاصل الترجمان (رسول جعفریان، مصحح). نشر مورخ.

استرآبادی، ابراهیم بن ولی الله (۹۵۸ق). *رساله حسنیه*. نسخه شماره ۹۹۸۷، کتابخانه آستان قدس رضوی (مشهد).

اشرفی جرجانی، عبدالحی بن عبد الوهاب (۹۸۳ق). ترجمه رساله الفیه، نسخه شماره ۱۷۱۲/۵، کتابخانه ملک (تهران).

اشکوری، سید صادق (۱۳۸۸). *اسناد موقوفات اصفهان* (ج. ۳). مجمع ذخایر اسلامی.

اعتمادالسلطنه، محمد حسن (۱۳۶۲). *مطلع الشمس: تاریخ ارض اقدس و مشهد مقدس، در تاریخ و جغرافیای مشهور بلاد و اماکن خراسان* (ج. ۲). فرهنگسرا.

افندی اصفهانی، میرزا عبدالله (۱۳۶۹). *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء* (محمداقبر ساعدی، مترجم؛ ج. ۲). بنیاد پژوهش‌های آستان قدس.

امینی، ابراهیم میرک جلال الدین (۱۳۸۳). *فتوحات شاهمی* (محمدرضا نصیری، مصحح). آثار و مفاخر ملی.

انصاری، محمد بن عبدالکریم (۹۶۷ق). ترجمه مکارم الاخلاق. نسخه شماره ۶۷۵، کتابخانه وزیری (یزد).
انصاری، محمد بن عبدالکریم (۹۶۳ق). ترجمه عدّه الداعی و نجاح الساعی. نسخه شماره ۸۸۷۵، کتابخانه آستان قدس رضوی (مشهد).

بخشی استاد، موسی‌الرضا، بادکوبه، احمد، و بیات، احمد (۱۳۹۱). علم حدیث و تاثیر جریان‌های فکری عصر صفویه بر آموزش آن در مدارس. *نشریه شیعه‌شناسی*، ۱۰ (۴۰)، ۹۱-۱۰۸.

https://www.shiitestudies.com/article_242535.html

بخشی استاد، موسی‌الرضا، و احمدی، نزهت (۱۳۹۲). تاثیر علمی مدارس در عهد صفویه. *پژوهش‌نامه تاریخ اسلام*، ۱ (۱۱)، ۲۷-۷.

<https://journal.isihistory.ir/article-1-112-fa.html>

تکملة الاخبار. (عبدالحسین نوایی، مصحح). نی.
قزوینی، عبدالکریم بن محمد یحیی (۱۱۲۱-۱۱۳۰ق).
نظم الغرر ونضد الدرر. نسخه شماره ۱۸۷۵،
کتابخانه آستان قدس رضوی (مشهد).
کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۳). سفرنامه کمپفر (کیکاوس
جهانداری، مترجم). خوارزمی.
محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۳۷۴). ترجمه فارسی
شرایع الاسلام (به کوشش محمد تقی دانش‌پژوه؛
ابوالقاسم بن احمد یزدی، مترجم؛ ج. ۱). دانشگاه
تهران.
محیط طباطبایی، سید محمد (۱۳۴۶). سیر ترجمه در
ایران. ارمغان، ۳۶ (۵ و ۶)، ۲۲۵-۲۳۷.
<https://ensani.ir/fa/article/248044/>
منشی قمی، احمد بن حسین (۱۳۸۳). خلاصه
التواریخ (احسان اشراقی، مصحح؛ ج. ۱). دانشگاه
تهران.
منشی، اسکندر بیک (۱۳۹۰). تاریخ عالم آرای عباسی
(ج. ۲). نگاه.
هروی مشهدی، محمد حسن بن محمد صالح
(۱۰۹۱ق). هدایة الاحکام و بدایة الانام «ترجمه
وسائل الشیعه». نسخه شماره ۱۱۰۸۶، کتابخانه
آستان قدس رضوی (مشهد).

References

- Abdi- Beg Shirazi, K. Z. A. (1990). *Takmila al-Akhbar* (A. Nawai, Ed.). Ney. [In Persian]
Abul-Fath ibn Husayni (1051-1060 AH). *Translation of Al-I'tiqadat*. Copy number 10176, Library of the Islamic Consultative Assembly (Tehran). [In Persian]
Afandi Isfahani, M. A. (1990). *Riyād al-'ulamā' wa ḥiyāḍ al-faḍlā'* (M. B. Saedi, Trans.; Vol. 2). Astan Quds Research Foundation. [In Persian]
Ahmadi, N. (2005). Shi'ism and Endowments in the Safavid era. *Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan*,

روغنی قزوینی، محمد صالح بن محمد باقر
(۱۰۸۰ق). ترجمه توحید مفضل. نسخه شماره
۹۵۸۳، کتابخانه آستان قدس رضوی (مشهد).
روغنی قزوینی، محمد صالح بن محمد باقر
(۱۰۷۵ق). ترجمه عیون الاخبار الرضا. نسخه
شماره ۱۲۶۷۸، کتابخانه آستان قدس رضوی
(مشهد).
روغنی قزوینی، محمد صالح بن محمد باقر (۱۰۷۱-
۱۰۸۰ق). حکمت اسلام. نسخه شماره ۹۲۳۰،
کتابخانه آستان قدس رضوی (مشهد).
روملو، حسن بیک (۱۳۸۹). احسن التواریخ
(عبدالحسین نوایی، مصحح؛ ج. ۳). اساطیر.
شاردن، ژان (۱۳۷۴). سفرنامه شاردن (اقبال یغمایی،
مترجم؛ ج. ۳). توس.
شاه طهماسب صفوی (۱۳۴۳). تذکره شاه طهماسب:
شرح وقایع و احوالات زندگی شاه طهماسب.
کاویانی.
صفت گل، منصور (۱۳۸۹). ساختار نهاد و اندیشه
دینی در ایران عصر صفوی: تاریخ تحولات دینی
ایران در سده‌های دهم تا دوازدهم هجری قمری.
خدمات فرهنگی رسا.

عبدی بیک شیرازی، خواجه زین‌الدین علی (۱۳۶۹).

2(40), 41-62.

- <https://www.sid.ir/paper/47776/fa> [In Persian]
Ahmadi, N. (2011). *On Safavid Endowments* (Collection of Articles). Library, Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly.
<https://lib.ui.ac.ir/dL/search/default.aspx?Term=111853&Field=0&DTC=1> [In Persian]
Amini, I. M. J. (2004). *Fathūḥāt-e Shāhī* (M. R. Nasiri, Ed.). National Heritage and Eminent Figures Organization. [In Persian]
Ansari, M. A. (963 AH). *Translation of Ad-Dai'i and Najah al-Sa'i*. Copy number 8875, Library of Astan Quds Razavi (Mashhad). [In Persian]

- Ansari, M. A. (967 AH). *Translation of Makarim al-Akhlaq*. Copy number 675, Waziri Library (Yazd). [In Persian]
- Ashkuri, S. S. (2009). *Documents of Endowments in Isfahan* (Vol. 3). Islamic Heritage Center. [In Persian]
- Ashrafi Jorjani, A. A. (983 AH). *Translation of Risale-i-Alifah*. Copy number 5/1712, Malik Library (Tehran). [In Persian]
- Astarabadi, I. V. (958 AH). *Treatise on Hassaniya*. Copy number 9987, Library of Astan Quds Razavi (Mashhad). [In Persian]
- Bakhshi Ostad, M. R., & Ahmadi, N. (2013). The scholarly impact of schools in the Safavid period. *Islamic History Research Journal*, 1(11), 7–27.
<https://journal.isihistory.ir/article-1-112-fa.html> [In Persian]
- Bakhshi Ostad, M., Badkoobeh, A., & Bayat, A. (2012). The science of Hadīth and the influence of intellectual currents of the Safavid era on its teaching in schools. *Shi'a Studies Journal*, 10(40), 91–108.
https://www.shiitestudies.com/article_242535.html [In Persian]
- Chardin, J. (1995). *Travelogue of Chardin* (E. Yaghmai, Trans.; Vol. 3). Toos. [In Persian]
- Deraeyti, M. (2014). *Union catalogue of Iranian manuscripts "Fankha"* (Vol. 45). National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. [In Persian]
- E'temad al-Saltāna, M. H. (1983). *Maṭla' al-shams: History of the sacred land and Mashhad al-Muqaddas, in the geography and history of famous cities and places of Khorasan* (Vol. 2). Farhangsara. [In Persian]
- Heravi Mashhadi, M. H. M. S. (1091 AH). *Hada al-Ahkam and the beginning of al-Anam, "Translation of Wasa'il al-Shi'a"*. Copy number 11086, Astan Quds Razavi Library (Mashhad). [In Persian]
- Hosseini, M. R. (2013). *The Persian translation movement during the Safavid era*. *Iranian Journal of Translation Studies*, 12(45).
<https://journal.translationstudies.ir/ts/article/view/245> [In Persian]
- Jafariyan, R. (2009). *Politics and Culture in the Safavid Era* (Vol. 2). Nashr-e Elm. [In Persian]
- Jafariyan, R. (2019). On the Book Endowment Deeds in the Safavid Era. *Journal of Historical Articles and Treatises*, (7), 327–358. <http://noo.rs/x8exx> [In Persian]
- Jorjani, M. S. B. M. (937 AH). *Translation of the brief al-Waqayyah*. Copy number 18892, Library of the Islamic Consultative Assembly (Tehran). [In Persian]
- Kaempfer, E. (1984). *Kaempfer's travelogue* (K. Jahandari, Trans.). Khvarazmi. [In Persian]
- Khwandamir Haravi, A. M. (2011). *Iran in the time of Shah Ismail and Shah Tahmasp Safavi* (G. Tabatabai Majd, Ed.). Dr. Mahmoud Afshar Foundation. [In Persian]
- Mohit Tabatabai, S. M. (1967). The course of translation in Iran. *Armaghan Journal*, 36(5&6), 225–237.
<https://ensani.ir/fa/article/248044/> [In Persian]
- Muhaqqiq Hilli, J. H. (1995). *Persian translation of Sharia' al-Islam* (A. A. Yazdi, Trans.; M. T. Daneshpajuh, Ed.). University of Tehran. [In Persian]
- Munshi Qummi, A. H. (2004). *Khulāṣat al-Tawārīkh* (E. Eshraqi, Ed.; Vol. 1). University of Tehran. [In Persian]
- Munshi, I. B. (2011). *Tārīkh-e 'Ālam-ārā-ye 'Abbāsī* (Vol. 2). Negah. [In Persian]
- Qazvini, A. M. Y. (1121-1130 AH). *Nazm al-Gharar and Nazd al-Durr*. Copy number 1875, Library of Astan Quds Razavi (Mashhad). [In Persian]
- Rajai, S. J., & Bazrgar Khezrabeygi, M. (2023). The evolution of themes and origins of Arabic-to-Persian translations of Shiite texts during the Safavid era: Transition from the 10th to the 11th century AH. *Historiography and Historical Writing*, 33(31), 57–83.
<https://doi.org/10.22051/hph.2024.46274.1708> [In Persian]
- Razavi, M. M. M. Ş. (2022). *Hasil al-Tarjuman* (R. Jafariyan, Ed.). Nashr-e Mowrek. [In Persian]
- Roghani Qazvini, M. S. M. B. (1071-1080 AH). *The Wisdom of Islam*. Copy number

- 9230, Library of Astan Quds Razavi (Mashhad). [In Persian]
- Roghani Qazvini, M. S. M. B. (1075 AH). *Translated by Ayoun al-Akhbar al-Rida*. Copy number 12678, Library of Astan Quds Razavi (Mashhad). [In Persian]
- Roghani Qazvini, M. S. M. B. (1080 AH). *Translated by Tawhid Mufaddal*. Copy number 9583, Library of Astan Quds Razavi (Mashhad). [In Persian]
- Rumlu, H. B. (2010). *Aḥsan al-Tawārīkh* (A. Nawae, Ed.; Vol. 3). Asatir. [In Persian]
- Shah Tahmasp Safavi. (1964). *Tazkre of Shah Tahmasb: Memoirs and events of Shah Tahmasp's life*. Kavyani. [In Persian]
- Sifatgol, M. (2010). *Structure of religious institutions and thought in Safavid Iran: History of religious transformations in 10th–12th centuries AH*. Rasa Cultural Services. [In Persian]
- Tavasoli, V., & Azimi, H. (2017). Centers and characteristics of manuscript production in Greater Khorasan: Timurid and Safavid periods. *National Studies on Librarianship and Information Organization Quarterly*, 28(4), 193–206. https://nastinfo.nlai.ir/article_2118.html [In Persian]